سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۰۶

نسیم جنوب

www nasimjonoub com

شنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

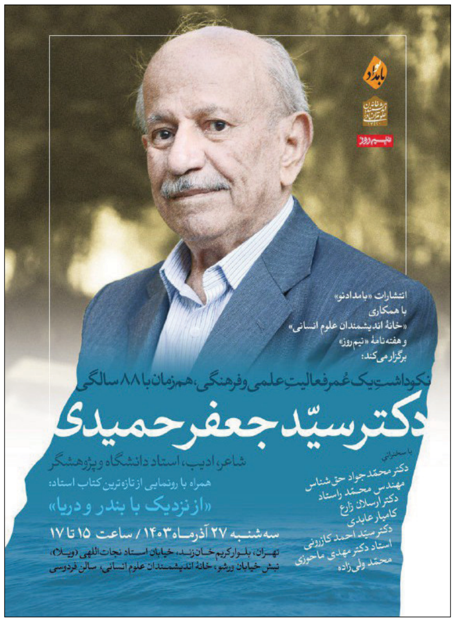
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



جشن یلدا؛ نمادی از امید به روشنایی

چرا بوشهری‌ها از هنرنمایی گروه موسیقی «محسن شریفیان» محرومند؟!

نکوداشت ۸۸ سالگی دکتر جعفر حمیدی؛ نویسنده و شاعر بوشهری در تهران



مراسم نکوداشت سیدجعفر حمیدی هم‌زمان با ۸۸ سالگی این شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، نکوداشت یک عمر فعالیت علمی و فرهنگی سیدجعفر حمیدی همزمان با ۸۸ سالگی این شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی روز سه‌شنبه، ۲۷ آذر از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در خانه اندیشمندان علوم انسانی به نشانی خیابان نجات‌اللهی(ویلا) نبش خیابان ورشو برپا می‌شود.

این مراسم که توسط انتشارات بامداد نو با همکاری خانه‌اندیشمندان علوم انسانی و هفته‌نامه «نیم‌روز» برگزار می‌شود، با رونمایی از کتاب تازه این شاعر و پژوهشگر با عنوان «از نزدیک با بندر و دریا» همراه خواهد بود.

طبق اعلام محمدجواد حق‌شناس؛ محمد راستاد، ارسلان زارع، کامیار عابدی، سیداحمد کازرونی، مهدی ماحوزی و محمد ولی‌زاده سخنرانان این مراسم هستند .

سیدجعفر حمیدی، استاد زبان و ادبیات فارسی، شاعر و نویسنده متولد سال ۱۳۱۵ در بندر بوشهر، چندی پیش به‌علت بیماری در بیمارستان بستری شده بود.

او تحصیلات ابتدایی تا متوسطه را در بوشهر سپری کرد. پس از آن به عنوان شاگرد اول دیپلم ادبی، بدون کنکور دوره لیسانس ادبیات فارسی را در دانشگاه شیراز گذرانید. حمیدی بعد از پایان خدمت سربازی به تدریس در دبیرستان سعادت بوشهر مشغول شد.

او در سال ۱۳۴۶ به تهران آمد و موفق به اخذ فوق لیسانس علوم تربیتی و روانشناسی شد. پس از آن در سال ۱۳۵۵ دوره فوق لیسانس ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران گذرانید. استاد حمیدی پس از اخذ کارشناسی ارشد در رشته ادبیات، برای گذراندن دوره دکترا در همین رشته وارد دانشگاه فردوسی مشهد شد و در سال ۱۳۶۳، دکتری خود را دریافت کرد.

این استاد دانشگاه و نویسنده جنوبی تا سال ۱۳۶۵ در وزارت آموزش و پرورش مشغول به خدمت بود و در این سال به وزارت علوم و دانشگاه شهید بهشتی انتقال یافت و در نهایت با درجه استاد تمام از دانشکده ادبیات فارسی این دانشگاه بازنشسته شد. او در زمینه شعر نیز فعالیت داشته و دارد و به گفته خودش تا قبل از سال‌های ۱۳۴۰ شعر کلاسیک می‌سروده، ولی پس از آن به شعر نیمایی نیز گرایش پیدا می‌کند. حمیدی همچنین در زمینه کارهای پژوهشی نیز فعالیت‌های زیادی داشته است و تاکنون در بسیاری از سمینارهای داخلی و نیز کنفرانس‌هایی در آلمان، انگلیس، چین و فرانسه شرکت کرده است.

«وصلت در سده تظلم»، «ابراهیم ابراهیم»، «از خون کبوتران»، «ابر باران بار»، «از سایه تا نشان»، «آینه شروه‌کسرایی»، «وزیرکشان»، «تاریخ نگاران»، «سعدی در کیش»، «تاریخ اورشلیم»، «آسیه ملکه مصر»، «بوشهر در مطبوعات عصر قاجار»، «بندر ریگ»، «فرهنگ واژه‌های بوشهری»، «سی بوشهر، همراه با گرگونامه»، «صد رباعی، صد غزل، صد دوبیتی»، « ۳۳ غزل عرفانی از فروغ بسطامی»، «داستان سیاوش (پژوهش)»، «مشاعره در طنز و اجتماعیات با عبدالحسین احمدی ری‌شهری»، «جانگدازان»، «ماشین نوشته‌ها»، «خاطرات علی‌اکبر خالصی و ایرج میرزا» و «شعر تعلیمی» از جمله تألیفاتی است که حمیدی در این سال‌ها منتشر کرده است.

اتصال به خط ریلی مطالبه جدی مردم است

استاندار بوشهر گفت: اتصال به خط ریلی از مطالبات اساسی مردم و فعالان اقتصادی است که باید با برنامه‌ریزی مناسب و تامین اعتبار اجرا این طرح سرعت بیشتری گیرد.

به گزارش ایرنا، ارسلان زارع در نشست با معاون وزیر راه و شهرسازی برای بررسی طرح‌های راهسازی و توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای استان بوشهر افزود: طرح‌های مهم راهسازی در محورهای مختلف در حال اجرا است که نیاز به توجه ویژه برای تسریع در تکمیل آنها است.

وی یادآورشد: سرعت بخشی در اجرای پروژه راه آهن بوشهر – شیراز مورد تاکید است.

استاندار بوشهر بیان کرد: تکمیل بزرگراه دالکی به کنارتخته به عنوان یکی از محورهای پر تردد و بزرگراه نوار ساحلی بندر بوشهر به بندر دیر نیز از دیگر پروژه‌های مهم و مورد مطالبه است.

زارع ادامه داد: سرعت بخشی در تکمیل بخش باقیمانده بزرگراه اهرم – برازجان نیز مورد توجه و تاکید قرار دارد.

استاندار بوشهر خواستار تامین منابع مالی مورد نیاز پروژه‌های حوزه راه و شهرسازی استان بوشهر شد.

هوشنگ بازوند معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل ونقل نیز با تاکید بر اهمیت پروژه های یادشده برای تامین بودجه مورد نیاز این طرح ها قول مساعد داد.

استاندار بوشهر:

برق منطقه‌ای فارس به مطالبه سرمایه‌گذاران بوشهر توجه کند

استاندار بوشهر گفت: شرکت برق منطقه‌ای فارس و بوشهر نسبت به تامین برق پایدار طرح‌های آب‌شیرین کن، واحدهای صنعتی و تولیدی این استان اهتمام داشته باشد.

به گزارش ایرنا، ارسلان زارع در نشست با مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای فارس و بوشهر افزود: تمام کوشش دولت حل مشکلات در حوزه‌های اقتصادی و ارتقا شاخص‌های رفاه اجتماعی مردم است و در این راستا گسترش طرح‌های اشتغال‌زایی، حل مشکلات واحدهای صنعتی، گردشگری، خدماتی در دستور کار دارد.

وی یادآورشد:تامین برق پایدار یکی از راهکارهای مهم در حل برخی از مشکلات واحدهای اشتغال‌زایی و تولیدی استان بوشهر است.

زارع با اشاره به راه‌اندازی منطقه آزاد تجاری صنعتی بوشهر اضافه کرد: لازم است ایجاد زیرساخت‌های لازم از جمله طرح‌های برق‌رسانی در منطقه آزاد تجاری صنعتی بوشهر در اولویت قرار داشته باشد.

در راستای عمل به برنامه‌های عمرانی سرپرست شهرداری عالیشهر صورت گرفت:

انجام پروژه‌های تفریحی، ورزشی و توجه به زیباسازی و مبلمان شهری، در عالیشهر

به گزارش روابط عمومی شهرداری و شورای شهر عالیشهر مهندس حسین عباسی سرپرست شهرداری در بازدید میدانی ضمن اعلام این موضوع عنوان کرد: علیرغم بازه زمانی خیلی محدود، سعی کردیم با سرعت بخشی به کارها حداکثر توان خود را مصروف به توسعه و آبادانی متوازن شهر عالیشهر نماییم.

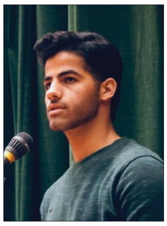
عباسی با بیان این نکته که احداث پارک تفریحی ورزشی به مساحت ۶۰۰۰ متر مربع در بلوار نیایش محدوده فاز ۲ و هم چنین جاده سلامت در بلوار شهدای گمنام در فاز ۳ از برنامه های عمرانی وعده داده ام بوده عنوان کرد: علیرغم زمان بسیار محدود خوشبختانه پروژه‌های فوق در مسیر اعلام مناقصه عمومی قرار دارد که بدینوسیله از تلاش و همراهی رییس، اعضای محترم شورای شهر و هم چنین کوشش همکاران خوبم در شهرداری تشکر می کنم.

سرپرست شهرداری عالیشهر عنوان کرد: با توجه به وضعیت بغرنج آسفالت اطراف میدان جمهوری، دستور بهسازی آن با قید فوریت را صادر نمودم.

عبدل حیدرزاده رییس شورای شهر عالیشهر در این بازدید اظهار داشت: ضمن تشکر از اهتمام و جدیت سرپرست شهرداری و سایر پرسنل شهرداری، ضمن تاکید بر همراهی همه جانبه شورای شهر با سرپرست شهرداری، انجام پروژه های تفریحی، ورزشی و توجه به زیبا سازی و مبلمان شهری را از نیاز اساسی شهروندان فهیم عالیشهر دانستند که خوشبختانه در بدو شروع بکار مهندس عباسی در عمل شاهد جدیت عملی در این امور می‌باشیم.

ایجاد شکاف میان دولت و ملت؟!

علیرضا رستمی – دانشجوی دانشگاه خلیج فارس بوشهر



مصوبه جدید مجلس تحت عنوان «لایحه یک‌فوریتی حمایت از فرهنگ حجاب و عفاف»، بار دیگر نشان‌دهنده فاصله نجومی میان دغدغه‌های نمایندگان مجلس و مشکلات واقعی مردم است. در بخشی از این مصوبه آمده: «هر رفتاری که به ترویج برهنگی، بی‌عفتی، بی‌حجابی، بدپوششی و اعمال خلاف عفت عمومی که منجر به برهم زدن آرامش زن و مرد در خانواده، رواج ازدواج دیرهنگام، گسترش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و زدودن ارزش خانواده می‌شود، مطابق احکام این قانون و سایر قوانین ممنوع می‌باشد.»

سال‌هاست که آقایان سعی دارند با سیاست «چماق باید»، تفکرات اقلیتی خود را به اکثریت مردم تحمیل کنند. اما به راستی این سیاست‌ها چه دستاوردی برای کشور داشته است؟ جز افزایش نارضایتی عمومی و تحمیل هزینه‌های گزاف به مردم؟

نمایندگان مجلس، گسترش طلاق و رواج ازدواج دیرهنگام جوانان را ناشی از آزادی پوشش می‌دانند و از مشکلات اساسی جامعه غافل‌اند، البته دور از انتظار است مجلس اقلیت از مشکلات اکثریت مردم اطلاع داشته باشد. به راستی، آیا تار موی دختران در خیابان‌ها آرامش زن و مرد در خانواده را برهم می‌زند، یا بدقولی سرپرستان زحمت‌کشی که با این سیاست‌های غلط، تورم افسارگسیخته و حقوق ناچیز، نمی‌توانند حتی نیازهای ابتدایی خانواده‌شان را تامین کنند؟ پدرانی که از طلوع تا غروب خورشید کار می‌کنند و با دستان پینه‌بسته به خانه بازمی‌گردند، اما همچنان شرمنده خانواده‌اند.

آرامش خانواده‌ها را تورم بی‌مهار، اختلاف درآمد و خط فقر، گوشت کیلویی خداتومان و خودروهایی با قیمت‌هایی سرسام‌آور برهم می‌زند، نه انتخاب لباس یا پوشش مردم.

نمایندگان باید به یاد بیاورند که سیاست‌های «چماق باید» در سال‌های گذشته چه نتایجی داشته است.تجاوز به حریم خصوصی خانواده‌ها به بهانه جمع‌آوری دیش‌های ماهواره‌ای، نه تنها استفاده از دیش ماهواره را کم نکرد بلکه باعث ترغیب مردم جهت استفاده شد. یا سیاست غلط فیلترینگ شبکه‌های مجازی، که نه تنها موفق نبود و باعث کاهش کاربران این برنامه‌ها نشد، بلکه نتایج معکوس داشت و شاهد افزایش کاربران در تمامی این شبکه‌ها بودیم. اگر از همان ابتدا به جای حمله به پشت‌بام‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های جذاب‌تر و متناسب با نیاز مردم تولید شده بود، امروز شاهد گسترش فرهنگ غربی نبودیم.

طبق داده‌های مرکز آمار ایران و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱، حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور یا ۲۵ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر زیر خط فقر بوده‌اند.

وقتی نتوانستند بستر مناسب را برای درآمد مردم مهیا کنند و معضل اشتغال جوانان را حل کنند، وقتی مردم برای تامین نان شب با بحران مواجه‌اند، باید هم شاهد رواج عامیانه شدن تن فروشی جهت تهیه نان باشیم. نمایندگان تندرو مجلس اگر دنبال جلوگیری از ترویج بی‌عفتی هستند راه را اشتباه آمده، اما اگر به دنبال ایجاد نفاق در دولت وفاق می‌باشند، هدف را دقیق نشانه رفته‌اند.

در بخش دیگری از این لایحه آمده است که مردم پس از آموزش توسط نهادهای مرتبط، گواهی لازم را دریافت و می‌توانند در خصوص عدم رعایت



حجاب شرعی یا بی‌حجابی و بدپوششی تصویر فرد را به سامانه اختصاصی که تهیه می‌شود گزارش کنند. پخش تصویر یا فیلم مذکور در فضای مجازی یا ارسال آن به دیگران مستوجب جزای نقدی درجه شش است.

همچنین، ماده یکم از تبصره دوم ماده ۳۲ می‌گوید مهاجرین یا اتباع بیگانه که مجوز اقامت رسمی از وزارت کشور دارند امکان امر به معروف و نهی از منکر را دارا هستند.

آیا این اقدامات مجلس چیزی جز ایجاد شکاف میان ملت است؟ به جای گماردن افراد و اعطا گواهینامه جهت امر به معروف و نهی از منکر و حضور آن‌ها در معابر عمومی و ایجاد اختلال در زندگی روزمره مردم، کاش نمایندگان، گروهی از مردم را برای امر به معروف و نهی از منکر به وزارت‌خانه‌ها می‌فرستادند تا از فسادهایی چون پرونده‌های چای دبش و فولاد مبارکه جلوگیری کنند.

مساله بعدی استفاده از اتباع بیگانه در این قانون غلط است. این لایحه می‌تواند شروع تحمیل نوع جدیدی زندگی به مردم ایران باشد، امروز به آن‌ها مجوز تذکر به مردم ایران داده می‌شود و فردا در انتخابات شرکت می‌کنند.

در نهایت، مجلس باید بداند که تصویب چنین قوانینی، نه تنها مشکلی از مردم حل نمی‌کند، بلکه به شکاف میان دولت و ملت دامن می‌زند. کاش نمایندگان مجلس به جای ایجاد اختلال در روند کار دولت و لجبازی با آحاد مردم، به فکر رفع مشکلات مردم بودند.

زندگی آگاهانه

پایان شب سیه

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



ایرانیان باستان معتقد بودند در پایان شب دراز یلدا خورشید زاده می‌شود. یعنی انتظار برای پایان بلندترین شب سال میوه‌ای به بزرگی خورشید دارد. این روزها عکس‌هایی از زندانیان سوری در فضای مجازی پخش می‌شود که چهل سال در اسارت بوده‌اند و یک‌باره نور آزادی بر آنان تابیده است. آن‌ها حتی فکرش را هم نمی‌کردند در آینده نزدیک قرار است چنین میوه شیرینی را بچینند.

داستان موفقیت و نتیجه‌گیری از تلاش و پیگیری خواسته‌ها هم اغلب چنین فرمولی دارد. واقعا هیچ استادی نمی‌تواند به شما بگوید از زمانی که شروع می‌کنید دقیقا کی به موفقیت می‌رسید. قشنگی دنیا هم به همین است. در جهانی که زندگی می‌کنیم آن‌قدر عدم قطعیت بالا است که در مورد هیچ چیز به یقین نمی‌توان صحبت کرد. حتی ممکن است تلاش ما به موفقیتی که می‌خواهیم هم نرسد، ولی راه دیگری هم وجود ندارد. هرچند آن تجربه ما را رشد داده و بزرگ‌تر می‌کند. بقول شاعر به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل / که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم.

اصلا بیشتر تلاش‌های ما نتیجه ملموسی ندارد. اغلب کسانی که در زندگی موفقیتی کسب کرده‌اند بیشتر موفقیت‌شان نتیجه یکی از کارهایی بوده که در زمان و مکان مناسب انجام داده‌اند. ولی راهی نیست که بدانیم دقیقا آن یک کار چیست و زمان و مکان آن کی و کجاست. حتی در مقیاس خیلی کوچک یک نفر ویزیتور ممکن است از صد تماس یا مراجعه حضوری فقط یک بار بفروشد. ولی از قبل نمی‌داند آن یک مشتری کدام است. اما او آن ۹۹ تلاش بدون فروش را هم جزیی از کار خود حساب می‌کند.

گاهی ما خود نمی‌دانیم چقدر به موفقیت نزدیک شده‌ایم. ولی چون نشانه‌ای نمی‌بینیم ممکن است ناامید شده و دست از تلاش برداریم. بر اساس قانون کانتر: همه چیز در فاصله میان آغاز و پایان شبیه شکست به نظر می‌رسد. متاسفانه به همین دلیل خیلی‌ها دست از تلاش برداشته و تسلیم می‌شوند چون نشانه‌ای از پیروزی نمی‌بینند. اینجاست که اهمیت صبر و مداومت خود را نشان می‌دهد.

برخی از مربیان موفقیت تنها راز موفقیت را همین صبر و مداومت می‌دانند. گاهی حتی نیاز نیست کار بیشتری انجام داد و فقط لازم است در آن مسیری که قلباً اعتقاد داریم درست است بمانیم. اوضاع دنیا چنان می‌چرخد که نتیجه کارهای قبلی ما با تلاشی بسیار کم در زمان حال نتیجه می‌دهد. آن‌چه در ده سال با هزاران بدبختی نتیجه نمی‌دهد در ده روز با کمترین تلاش به بار می‌نشیند.

زمانی هم ما در زمینه‌ای تلاش زیادی می‌کنیم ولی برعکس انتظارمان در زمینه‌ای دیگر نتیجه می‌گیریم. مثلا تلاش می‌کنیم کسب و کار خود را راه بیاندازیم ولی در کار کارمندی پست مهمی به ما داده می‌شود. تلاش می‌کنیم برای بهبود اقتصادی به کشور دیگری مهاجرت کنیم، در کشور خود شرایط برای‌مان مساعد می‌شود.

نتیجه این‌که هیچ‌کس آینده را نمی‌داند و نمی‌تواند پیش‌بینی کند. فقط کافی است به آن‌چه ایمان داریم عمل کنیم و در مسیر حرکت ناامید نشویم. موفقیت با پای خود به سمت ما می‌آید.

از جنبش دانشجویی تا مدیریت استراتژیک

حسین صداقت



سال‌ها پیش، در دوران دانشجویی، دبیر یکی از شناخته‌شده‌ترین تشکل‌های دانشجویی بودم. آن دوران پرهیجان و پرچالش، پر بود از لحظاتی که یاد گرفتم چطور تیم‌ها را هدایت کنم، اهداف را تعریف کنم، و برای تغییرات بزرگ بجنگم. امروز، سال‌ها پس از آن دوران، وقتی به مسیر حرفه‌ای‌ام نگاه می‌کنم، می‌بینم که بسیاری از آن تجربیات همچنان الهام‌بخش و راهگشای من در موقعیت‌های مدیریتی و استراتژیک هستند.

اما چطور می‌توان آن تجربیات را به دستاوردهای کنونی متصل کرد؟

۱- رهبری تیم‌ها: تجربه رهبری در جنبش دانشجویی، امروز در مدیریت پروژه‌ها و هدایت تیم‌های کاری نقش کلیدی ایفا می‌کند.



۲- شبکه‌سازی و ارتباطات: همان‌طور که در آن زمان توانستم ارتباطات مؤثری با افراد و سازمان‌ها برقرار کنم، امروز نیز از این توانایی برای پیشبرد اهداف حرفه‌ای و اجتماعی بهره می‌برم.

۳- حل مسائل پیچیده: تحلیل مسائل و یافتن راه‌حل‌های عملی در زمان محدود، در هر محیط کاری و مدیریتی یک مهارت بی‌نظیر است که آن دوران برایم به ارمغان آورد.

۴- الهام‌بخشی: توانایی انگیزه‌بخشی به دیگران و ایجاد حس مسئولیت اجتماعی، همچنان یکی از ارزشمندترین ابزارهای من است.

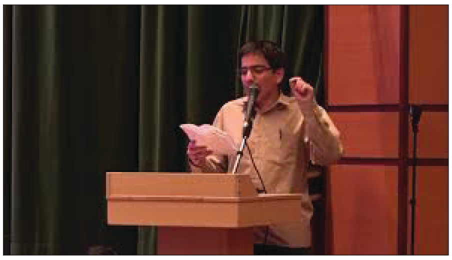
۵- تأثیر اجتماعی: فعالیت‌های دانشجویی‌ام به من آموخت که موفقیت تنها در پیشرفت شخصی نیست؛ بلکه باید تأثیر مثبتی بر جامعه گذاشت.

امروز، به‌عنوان فردی که در زمینه مدیریت و استراتژی فعالیت می‌کنم، معتقدم هر تجربه‌ای می‌تواند پُلی باشد برای حرکت به سمت موفقیت‌های بزرگ‌تر. اگر شما هم تجربه‌ای مشابه دارید یا دوست دارید در این مورد بیشتر صحبت کنیم، خوشحال می‌شوم نظرات شما را بشنوم.

بیایید تجربیات گذشته‌مان را به آینده‌ای روشن‌تر پیوند بزنیم!

سخنان علی قائدی، دانشجوی دانشگاه خلیج فارس مقابل سعید جلیلی در روز دانشجو:

اگر بیش از این تعلل شود، معیشت و آینده ایران‌مان به خطر خواهد افتاد



بسم الله الرحمن الرحیم

ان ارید الا اصلاح ما استطعتو ما توفیقی الا بالله علیه توکلتپ الیه انیب

سلام آقای جلیلی، شما را نمی دانم اما حال مردمان ایران خوب نیست و شما در این ناخوش احوالی سهیم بوده و هستید ...

آیا تا به حال در خلوت تان به گذشته بازگشته اید؟!

آیا تا به حال عیوب خود را در آینه صداقت و وجدان دیده اید؟!

برویم سر اصل مطلب: آقای جلیلی سیاست، بازی با اذهان مردم نیست، سیاست، تلاش از سر عشق امید و انگیزه و از سر شوق برای رفع موانع مردم است.

یادتان هست در سال های نه چندان دور چه بر سر مردم آوردید؟!

آن وقتی که باید مذاکره می کردید نه خطابه خوانی!

آن وقتی که باید مسیر دولت را هموار می کردید و در آفتاب می بودید نه در سایه!

هنوز در خاطرمان هست که اصرار داشتید این تحریم‌ها چیزی نیستند و ما با قدرت جلو می رویم!

گذشت و جلو رفتید اما به قیمت له شدن مردم در اثر تحریم ها! آیا فکر می کنید مردم شریف ایران شما را خواهند بخشید؟!

راستی شنیده‌ام موضوع پایان‌نامه شما بنیان اندیشه سیاسی اسلام بوده، آیا قرآن به ما فرموده که شرایط را در نظر نگیر و با یک منطق خشک و سرسخت فقط راهت را برو؟!

آیا تا به حال به نتایج و فجایعی که این تفکر به بار خواهد آورد فکر کرده اید؟!

آیا دستاورد این گفتمان چیزی جز این است که مردم به سختی و تنگنا بیفتند و شما و دوستان‌تان ژست انقلابی بگیرید؟!

آیا نتیجه این تفکر و تبعات ناخواسته آن، دین گریزی مردم در جامعه نیست، چنان‌چه می بینیم؟!

این بود ارمغانی که می‌خواستید برای مردم بیاورید؟

به تازگی دوستانتان در مجلس قانونی (...) تحت نام لایحه حجاب تصویب کردند، قانونی خطرناک که کشور را در معرض شورش قرار می دهد! نظر شما در باره این قانون چیست؟

با صراحت عرض کنم با کدام اعتماد بنفس دوباره بازگشتید و زمزمه های قبل را تکرار می کنید؟!

در زمان دبیری شما در شورای عالی امنیت، بیشترین میزان ترور دانشمندان اتمی رخ داد. در این‌باره نظر خاصی دارید؟!

آیا قرآن به ما دستور داده که معیشت و زندگی میلیون‌ها نفر را در گروی اندیشه و افکار حزبی خود و اطرافیان‌مان قرار دهیم؟!

دوستان شما در مجلس و تریبون‌های مختلف به دوستان ما و به خصوص رییس جمهور بی‌احترامی می‌کنند و شما بی‌اعتنا به رفتار آن‌ها به دانشگاه برای سخنرانی می‌آیید؟!

کمی نصیحت‌شان کنید. آخر این چه حزبی است که اعتبار خود را از توهین به دیگران و مذاکرات بی‌نتیجه می گیرد؟!

آیا پیامبر اسلام پیامبر مودت و رحمت نبود؟! در جامعه چندپاره اسلامی انعطافی نشان نداد و نظر جامعه اسلامی را لحاظ نمی کرد؟! آیا فقط به اندیشه خود و اطرافیان خود چشم دوخته بود؟!

آقای جلیلی ما مسلمانیم و الگوی‌مان کلام خداوند و شیوه پیامبر است، شما حق ندارید نظر خود را بر جامعه اسلامی تحمیل کنید.

چرا از مناظره با آقای زنگنه و دیگران فرار می کنید؟!

اگر روزگاری بر علیه دشمن بعثی جنگیدید این بار هم با مردم باشید.

آقای جلیلی نظر شما درباره. fatf چیست؟ و نقش شما در فاجعه عدم پذیرش. fatf چیست؟ اقدامی ویرانگر و پرهزینه برای ایران.

اقلیت مردم را دارید آقای جلیلی، برای رضای خدا اگر مردم ایران را دوست دارید روش و مرام خود را تغییر دهید. امروز نوبت انتخاب است که اگر بیش از این تعلل شود، معیشت و آینده ایران‌مان به خطر خواهد افتاد. شما که این امر را نمی خواهید! می‌خواهید؟!

اگر جامعه اسلامی و اسلام را دوست دارید، و اگر مدافع خون شهیدان گلگون کفن هستید از موضع گذشته خود دست بردارید!

نگذارید مردم سایه‌های سیاه و اشباح را ببینند! نگذارید کابوس‌های ترسناک ببینند! نگذارید ایران‌مان سایه جنگ و التهاب باشد چه در داخل و چه در خارج!

آقای جلیلی گذشته چراغ راه آینده است و اصرار به تکرار اشتباهات مسیری جز قعر دره ناامیدی و سقوط نیست...

آقای جلیلی به آفتاب بپیوندید که آفتاب در آسمان آبی زیباست.

آقای جلیلی سایه، سراسر سیاهی و ظلمت است.

در کنار مردم نجیب ایران قرار بگیرید تا تاریخ از شما به نیکویی یاد کند. مردم دیگر تحمل دعواهای حزبی دولت سایه و دو دستگی و انشقاق را ندارند، چه معنایی دارد مجلس همسوی شما به جای حل مشکلات ما مردم به دکتر ظریف گیر الکی می دهد؟

مردم دیگر ظرفیت تحمل اشتباه و تکرار اشتباه را ندارند، نظر شما درباره فیلترینگ چیست؟

آقای جلیلی آفتاب رویاهای مردم باشید نه سایه‌ای در پستوی تاریکی.

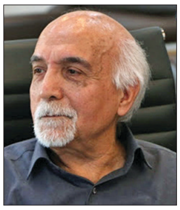
آقای جلیلی با مردم باشید، با مردم.

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا.

موفق و موید، و در پناه حق باشید.

شب یلدا، پیوند دهنده خانواده‌های ایرانی

حسین حشمتی



ملت ایران در جغرافیای میهن عزیز به ویژه در حوزه تمدن زاگرس رافدین، (درلغت رافدین نام دو رود است که در انتهابه یکدیگر می‌رسند و رود واحدی را تشکیل می دهند).

این حوزه تمدن ایرانی بیش از سه هزار سال با پدیده‌های خورشیدی مانند بزرگ ترین روز، اعتدال بهاری و اعتدال پائیزی آشنا بودند.

در تمدن زاگرس رافدین طی دوره یکجانشینی یا به عبارت واقعی‌تر (شهرنشینی) متوجه شدند که در بعضی از فصول روزها بسیار بلند و هوا گرم‌تر می شود و در نتیجه در آن ایام از روشنی و نور آفتاب بیشتر می‌توانستند استفاده کنند و این باور در آنان پدید آمد که نور و روشنایی حاصل از تابش خورشید نماد نیکی و خوشبختی بوده و با تاریکی و ظلمت شب در نبرد و کشمکشند.



مردم دوران باستان و از جمله اقوام آریایی همچون هندوایرانی، هندواروپایی متوجه شدند که کوتاه ترین روزها، آخرین روز پائیز و شب اول زمستان است و بلافاصله پس از آن روزها، به تدریج بلندتر و شب ها کوتاه‌تر می‌شوند و به همین نشانه ها، آن شب را «مهر» نامیده و آن را آغاز سال نو قرار دادند و جالب‌تر این که کریسمس مسیحیان نیز ریشه در همین اعتقاد دارد و به نظر می رسد اروپائیان برگزاری جشن کریسمس را از ایرانیان الهام گرفته باشند، همچنان‌که همسایگان‌مان (به جز کشورهای حوزه خلیج فارس) مراسم شب یلدا را با شکوه بیشتری برگزار می نمایند.

در برهان قاطع ذیل واژه یلدا چنین آمده است: «یلدا شب اول زمستان و شب آخر پاییز است که اول جدی و آخر قوس باشد و آن درازترین شب‌هاست در تمام سال که در آن شب یا نزدیک به آن شب آفتاب به برج جدی تحویل می‌کنند و گویند آن شب شوم و نامبارک می باشد و بعضی گفته اند که شب یلدا یازدهم جدی است و نامبارک است و به همین دلیل می باید شب یلدا را جشن گرفت تا نحسی آن برطرف گردد».

براساس همین باورها بوده که ایرانیان از زمان باستان تاکنون، در چنین شبی گردهم می‌آیند و شب را با شاهنامه خوانی و فال گرفتن از دیوان حافظ و خوردن تنقلات و میوه‌هایی مانند هندوانه، انار و انگور و نوشیدن شربت به لیمو و چای سپری می کنند.

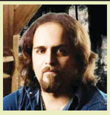
آری شب یلدایی که با گذشت چندین هزار سال از تاریخ پیدایش آن نزد ایرانیان، هنوز در کشورمان رونق دارد نشانه ملیت و سمبل ایرانیت ماست.

جالب‌تر این که شب یلدا کمی شبیه به عید نوروز هم هست یعنی همانطوری که در لحظه تحویل سال سفره هفت سین پهن می کنیم و هفت نوع خوراکی که با حرف سین شروع می شوند در سفره می گذاریم که هر کدامش نماد نیکی هستند در شب یلدا هم هر کدام از میوه‌هایی که در سینی مسی یا ورشویی می چینیم، خاصیت خاص خودشان را دارند مثلا هندوانه که قدیمی ها اعتقاد داشتند اگر در شب یلدا هندوانه بخوریم تا آخر زمستان از سرماخوردگی در امان خواهیم بود یا انار به دلیل خون ساز بودن نماد شادی و زایش است و انگور هم صفرا و بلغم را از بدن دفع خواهدکرد، البته نه هر انگوری بلکه ازنوع شاهانی آن که پس از خشک شدن به مویز تبدیل می شود و خاصیت گرمازایی دارد.

به گمانم شب یلدای امسال به دلیل سرمایی که از شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین شهرهای کشورمان وجود دارد، شب یلدای شیرینی را می باید برگزار کنیم و اگر چه به مدد شوفاژ و وسایل گرماساز، مثل قدیم نیاز به کرسی گذاشتن نیست اما چه خوب است که خانواده‌های ایرانی مراسم کرسی‌گذاری نمادین را اجرا کنند و اگر خداوند نعمت وجود پدر و مادربزرگ‌ها را به آنان عنایت فرموده، آنان را درصدر محفل خانواده بنشانند تا مادرجون برایشان از خاطرات چگونگی برگزاری شب یلدا بگوید و پدر جون هم برایشان شاهنامه بخواند و فال حافظ بگیرد، حافظی که می گوید:

معاشران گره از زلف یار باز کنید
شبی خوش است بدین قصه اش دراز کنید.

عاشقانه‌های شهراد میدری



آمده کالسکه ای از راهِ دور، با خودش آورده تو را، وایِ من!
باورِ من نیست تویی این‌چنین، آمده باشی پیِ اغوایِ من

برگِ طلا فرشِ قدم‌هایِ تو، مانده جهان محوِ تماشایِ تو
شُرشُرِ رود است و سرود است و "عشق" نغمه گرِ شوقِ "بفرما"یِ من

قُل قُلِ قلیان و گرامافون و صفحه یِ آوازِ "دلت هرچه خواست"
دلخوشِ آنم که بنوشی به ناز، جرعه ای از مستیِ ودکایِ من

ترمه یِ شاهانه یِ گُلدوزی و کرسی و آغازِ زمستانِ سرد
گرمِ تب و تابِ حضورت شده کلبه یِ دنجِ لبِ دریایِ من

میوه و شیرینی و آجیل و شعر، غرقِ پذیرایی از این سور و سات
چیده سرِ میز به شور و نشاط، سفره قلمکارِ گُل آرایِ من

شعرِ خداحافظیِ "آذر" است این که خِش و خِش به زمین ریخته
تا بزنی بوسه یِ برفیِ "دی" بر شبِ حاشا و تماشایِ من

شد همه یِ سهمِ من از این جهان، خوابِ تو در لحظه یِ بیداری‌ام
شادم از این‌که عسلِ ناب هم نیست به شیرینیِ رویایِ من

خیره به مویِ تو کنم زمزمه: هیچ شبی نیست بلند این‌همه
خنده‌کنان پاسخِ من می‌دهی: برده دل از تو شبِ یلدایِ من

بس که دلم رفت از این شور و حال، بس که شدم عاشقت این وقتِ سال
عطرِ انارِ شبِ یلدا گرفت این غزل از بینِ غزل‌هایِ من

***

سیاوش دهقانی



ندهی وعده اگر، پای فشاریت کنم
وعده ام چون که دهی لحظه شماریت کنم

گر کنی آب دلم را و به دندان بکشیم
خون بپاشم سر و روت آب اناریت کنم

گر شوی صاعقه بر من وَ سرم داد زنی
می شوم ابر و بگریم که بهاریت کنم

تا به آتش بکشی هستی من دود شوم
تا روم در ریه ات دفع خماریت کنم

عشق افیون بود و خانه نشینی دارد
بسته ی حُقّه ام و بند نگاریت کنم

تا که معشوق تو گردم کنم از غیر جدات
از تو را هر که بخواهد متواریت کنم

کُنج این خانه شوی مال خودم جَلد خودم
ناز و زیبا و بی آزار، قناریت کنم

جشن یلدا؛ نمادی از امید به روشنایی

زیبا هوشیار



مادربزرگ با چارقد سفیدی که با سنجاقی طلایی زیر گلویش را بسته بود در زیر کرسی بر متکایی تکیه داده و نوه هایش چشم به دهان مادر بزرگ دوخته، منتظر قصه بودند.

در روی کرسی، دانه های قرمز انار، قاچهای هندوانه، آجیل و کاسه آش رشته و تنقلات دیگر خودنمایی می‌کرد، دیوان حافظ هم در گوشه دیگر کرسی، بود. مادر بزرگ، چای را در نعلبکی می ریخت، تکه قندی برداشت و در چای زد و به دهان برد و قصه را شروع کرد.

یکی بود و یکی نبود، پیرزنی سفیدمویی به شهر ما آمد. این پیرزن دوتا پسر داشت که سرما را با خود می‌آوردند بنام چله بزرگ و چله کوچک.

چله بزرگ، مرد مهربانی بود که از اول زمستان به مدت ۴۰ روز حکمرانی می‌کرد، بعد از او برادرش که چله کوچک بود و بر خلاف چله بزرگ، بدجنس و سرد بود و با خود برف و یخ و هوای سرد می آورد، ۲۰ روز حکمرانی می‌کند.

چله کوچک به نصیحت‌های برادر بزرگتر توجهی نکرد تا این‌که حاکم بعدی اورا در کوه یخی به زندان انداخت.

نه سرما که این خبررا شنید به کوه رفت و با نفس گرم خود، یخها را آب کرد و پسرش را آزاد کرد و به خونه برگشت و همه جا را تمیز کرد و منتظر عمو نوروز شد ولی چون خسته بود خوابید و نتونست عمو نوروز را ببیند و تا سال دیگر باید منتظر بماند و عمو نوروز پیام‌آور بهار است.

افسانه‌های زیادی در مورد شب یلدا وجود دارد، ایران ما، سرزمین افسانه ها و داستانهای شگفت انگیز هست، به همین دلیل، جشن‌ها، داستان‌ها و افسانه که مخصوص اقوامی با ریشه‌های کهن است در فرهنگ ما وجود دارد.

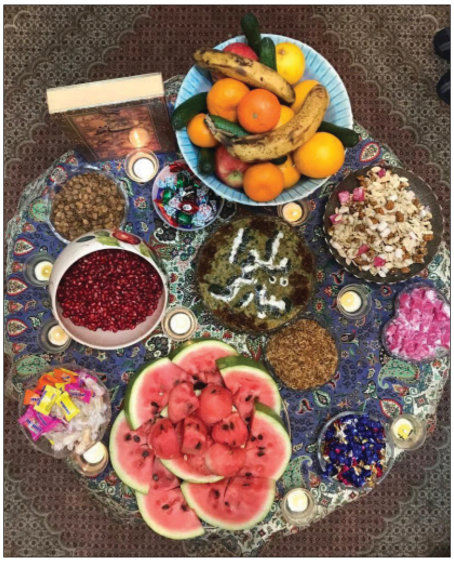
شب یلدا نه تنها در ایران، که در تاجیکستان، افغانستان و آذربایجان هم که قبلا جزو ایران بوده اند برگزار می‌شود.

شب یلدا، آغاز اولین دوره (چهل روز) فصل زمستان است، به همین خاطر آنرا شب چله می‌گویند و بلندترین شب سال در نیمکره شمالی زمین است، که از غروب آفتاب روز ۳۰ آذرماه (پاییز) تا طلوع آفتاب اول ماه دی (زمستان) ادامه دارد.

بنا به گفته‌ها، شب یلدا در زمان پادشاهی داریوش یعنی ۵۰۰ سال قبل از میلاد، در تقویم رسمی ایران ثبت شده است.

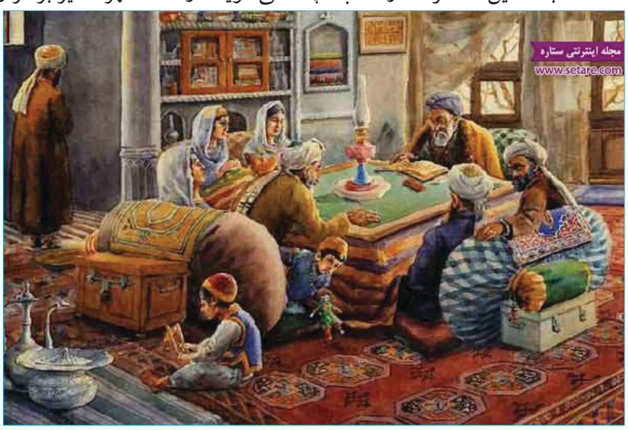
مراسم شب چله در شهرهای مختلف، متفاوت است هر چند که هندوانه و انار و دیوان حافظ ثابت است، منتهی تغییراتی در چیدمان سفره و پذیرایی وجود دارد، به عنوان مثال در شهر ملایر یلدا را شَوچَره (شب چله) می‌گویند در جمع خانواده، در زیر کرَسی که با لحاف قرمز پوشیده شده است، بزرگ‌ترها قصه و افسانه هایی در مورد این شب می‌گویند. مادر بزرگ‌ها، قوت خشک درست می‌کنند که مخلوطی از کوبیده‌های بادام، گردو، گشنیز، انواع تخمه‌ها، شاهدانه، فندق، هسته زردآلو همراه با شیره عسلی است که به‌صورت گلوله از مهمانان پذیرایی می‌کنند.

به نوعروس هم از طرف خانواده داماد، خنچه ای که در آن میوه و مرغ پخته و برنج هست می فرستند و از



طرف خانواده عروس، قطعه ای طلا می فرستند.

در شهر ملایر علاوه بر هندوانه و انار، گندم و شاهدانه، باسلق، سنجد در سفره شب چله وجود دارد و خوردن کله پاچه نیز از جمله رسمی است که در شب یلدا در شهر ملایر برگزار می‌شود.



شوربختانه در حال حاضر به‌علت مشکلات اقتصادی و پراکندگی فامیل، کمتر این رسوم رعایت می‌شود ولی در روستاها کماکان این رسوم را در شب یلدا بجا می‌آورند.

مردم تبریز هم به علت سرمای زیاد در زمستان، معتقدندکه خوردن هندوانه در شب چله، لرز و سرما به تنشان تاثیر نداشته و اصلا سرما را حس نمی‌کنند. در تبریز برای نگهداری هندوانه و خربزه، از اواخر تابستان آن‌ها را در تور گذاشته و از سقف آشپزخانه آویزان می کردند و یا در کاه می‌گذاشتند.

مهم‌ترین غذای مردم تبریز در شب چله، برنج و مرغ و آش شیر است، بعد از شام، تنقلات شامل گندم برشته یا شاهدانه، آجیل، لبو، هویج، حلوای گردو و هندوانه و خربزه و انگور و بادام و سنجد میل می کنند.



نوازنده‌ها هم می‌نوازند و صمن نواختن داستان هم می‌گویند.

در تبریز هم رسم هست که در شب چله، خانواده داماد، هدیه ای برای نو عروس می فرستند که در خنچه علاوه بر هندوانه، پارچه های حریر و با ارزش، میوه و شیرینی هست.

در تهران قدیم نیز، که مردم در خانه‌های ویلایی زندگی می‌کردند، عده‌ای شال را همراه می‌بردند و داخل خانه می‌انداختند (البته صاحبخانه، متمول و یا بزرگ آن محل بود و درب خانه را باز می‌گذاشتند) و صاحبخانه هدیه‌ای که معمولا سکه (پول) و یا شکلات و سایر خوردنی‌های دیگر بود، به گوشه شال می‌پیچید و به شال تکانی می‌داد که صاحب شال متوجه شود و شال را بکشد و هم زمان می‌گفت «خدا مرادت بده، بکش» و این رسم را شال اندازون می گفتند.

شوربختانه هم اکنون این رسوم کمرنگ شده و کمتر انجام می شود.

در بوشهر هم به علت وضعیت جغرافیایی و آب و هوا، نیازی به استفاده از کرسی نبوده و نیست، و شب یلدا یک مهمانی ساده به همراه هندوانه و انار و آجیل و آش رشته و نیز فالی از دیوان حافظ پایان بخش مهمانی شب یلد است.

قابل ذکر است که در بعضی از شهرها، برای انتساب فال به فرد، هر کسی، علامتی از خود، مثل انگشتر و.... در کوزه می اندازد و کسی که قرار است دیوان را باز کند ابتدا دستش را در کوزه کرده و هر علامتی که به دستش آمد، فال مربوط به او می‌شود و به همین ترتیب تا آخرین علامت تموم شود.



مصاحبه با عبدالحسین کشتکار، شاعر دوبیتی سرای بوشهری:

روایت شاعرانه از یلدایی جنوب

جمیل رزمی: به بهانه شب یلدا، فرصتی دست داد تا گفتگویی کوتاه با شاعر هم اقلیمی‌مان عبدالحسین کشتکار شاعر دوبیتی سرا داشته باشیم که از دیارمان مهاجرت کرده و در کنار زاینده رود رحل اقامت گزیده است.

– ابتدا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی نمایید.

– سلام عرض می کنم خدمت دوستداران فرهنگ، زبان و ادب فارسی، دوستان همشهریان و هموطنان نازنینم، من عبدالحسین کشتکار متولد سال ۱۳۴۲هستم، روستازاده‌ای از تل اشکی، روستایی در همسایگی چاهکوتاه ، دوران ابتدایی و راهنمائی را در روستا سپری کردم سپس برای ادامه تحصیل به دبیرستان شریعتی (پهلوی سابق) بوشهر آمدم و تا کسب مدرک دیپلم در بوشهر بودم، سپس موفق شدم مدرک فوق دیپلم خودم را از تربیت معلم شیراز در رشته زبان و ادبیات فارسی دریافت کنم و در ادامه مدرک کارشناسی مدیریت آموزشی را در بوشهراخذ کردم.

– لطفا بگوئید چه شد که به شعر گرایش پیداکردید؟

– البته بر همگان واضح است که به نوعی در همه ما ایرانی ها حس شاعرانگی و احساسات لطیف شعری وجود دارد، علی‌الخصوص این که بخواهی این حس را حفظ و حتی تقویت کنید. من تقریبا ازدوران دبیرستان با شعر آشنا شدم، جرقه و شعله‌های سرودن دوبیتی و رباعی در من روشن شد و همه این‌ها به مدد مطالعه دیوان اشعار شاعران بزرگ پارسی گوی بود و در ضمن به شاعران محلی نیز اعتنا می کردم و از آن‌ها غافل نبودم و احساس کردم که به اشعار شاعران محلی تمایل دارم و همین عامل باعث شد تا در رشته ادبیات ادامه تحصیل بدهم و فضای مناسبی شد برای مطالعه و پرداختن به شعر و تا الان که در خدمت شما هستم.

– اگر از شما بخواهیم فی‌البداهه شعری در وصف شب یلدا به خوانندگان تقدیم کنید، این آمادگی را دارید؟

دو چشم پرزشوق و شرمتان خوش
کلام دلنشین و نرمتان خوش
« نسیمی» از جنوب و شام یلدا
به جمع باصفا و گرمتان خوش



– آیا مجموعه شعری را چاپ و یا در دست چاپ دارید؟

– من احساس می‌کنم هنوز شعرم به پختگی لازم نرسیده است، به همین دلیل در حال ویرایش و تصحیح اشعارم هستم و اگرخدا بخواهد به همین زودی دست به چاپ اشعارم خواهم زد.

– از مخاطبین اشعارت هم خبردارید؟

– البته تا آن‌جا که اطلاع دارم اشعارم دست به دست می گردد که این نشان از محبت شعر دوستان به من است.

– شما تخلص شعری هم دارید؟

–بله تخلص من درشعر «عبدی» است.

– در پایان اگر توصیه ای به شاعران جوان و یا افرادی که دوست دارند وارد این وادی شوند دارید، بفرمایید؟

– درخصوص جوانان آن‌چه که به ماگفته اند، من هم به شما می گویم؛ باید پشتوانه داشت و این پشتوانه فقط و فقط در سایه خواندن و مطالعه کردن بدست می آید، یعنی در این مسیر باید افتادگی آموخت و خود را برای یک سفر طولانی برای شدن و رسیدن به کمالات مهیا کرد.

حقیقتا خوشحالم که فرصتی پیش آمد تا با فرهیختگان جامعه، طرف گفتگو باشم. از هفته نامه نسیم جنوب به واسطه در اختیار گذاشتن این فرصت، دریا دریا سپاسگزارم.

شب یلدا

عبدالحسین کشتکار

خجل ماه شب از مهتاب رویت
شود شرمنده گل از عطر و بویت
شب یلدا به آن زیبایی و حسن
خجالت میکشد در پیش مویت

شود شرمنده گل از عطر و بویت
خجل ماه دوهفته، پیش رویت
شب یلدای سرد و تیره و تار
کم آورده به پیش تار مویت

خجل گشته گل از دیدار رویت
شب یلدا اسیر تار مویت
یقین دانم به گلزار طبیعت
ندارد هیچ بستان عطر و بویت

شب یلدا ندارد خصلت موت
ندارد گل، نشان از عطر و از بوت
دل بیچاره ی عبدی شده چاک
زمژگان و زتیغ تیز ابروت

بخوان حافظ، بخوان شعر و ترانه
بخور سیب و انار و هندوانه
شب یلدایتان لبریز شادی
مبارک باد این جشن شبانه

شب یلدا به کامت قند باشد
به لبهایت گل لبخند باشد
خریدارم دلت را جان جانان
فقط قیمت بگو، هرچند باشد

خجل گشته شب یلدا زمویت
ز رو رفته گل از سرخی رویت
معطر گشته صحرا و در و دشت
خجل نافه به پیش عطر و بویت

آداب و رسوم شب یلدا

آتش: قدیم دور کرسی می‌نشستند. قبل‌تر از آن دور آتش جمع می‌شدند و الان بخاری‌ها مجلس را گرم می‌کنند. آتش در گذشته نماد خورشید بود و برپا کردن آتش به خاطر پاسداشتش انجام می‌شده است. البته برخی هم عقیده دارند که آتش را برای برطرف کردن نحسی اهریمن و تاریکی روشن می‌کردند. وظیفه این آتش از بین بردن و فراری دادن تاریکی و نیروهای اهریمنی بوده است.

مثل‌گویی یا قصه‌خوانی در شب یلدا: مثل‌گویی که نوعی شعرخوانی و داستان‌خوانی است در قدیم اجرا می‌شده. به این صورت که خانواده‌ها در این شب گرد هم می‌آمدند و پیرترها برای همه قصه تعریف می‌کردند.

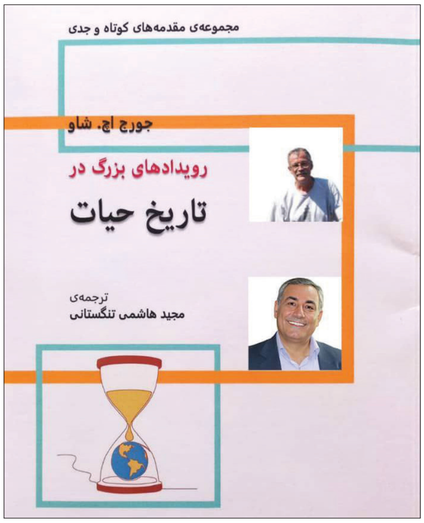
مثل قصه‌های کوچک و داستان‌های غیر واقعی اند. بیشتر قهرمان‌های آن جانوران، دیوان و پریان هستند و برای سرگرمی و خوشایند کودکان گفته و یا نوشته می‌شوند.

فال حافظ در شب یلدا: معمولا در شب‌های یلدا بزرگ فامیل به دیوان حافظ تفالی می‌زند. گرفتن فال حافظ شب یلدا به این ترتیب است که مخاطب فال نیت کرده و بزرگ مجلس این جمله یا شبیه به این را می گوید: «ای حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، من طالب یک فالم، بر من نظر اندازی» بعد لای دیوان را باز می کند.

غزل بالای سمت راست، جواب تفال است. اگر وسط غزل باشد، فال از ابتدای غزل که در صفحه پشت است، خوانده می‌شود. سه بیت از غزل بعدی هم شاهد فال خواهد بود. بعد از خواندن غزل، فال را تفسیر می کند. اگر محتوای شعر مثبت باشد فال را خوب و اگر نباشد آن را بد می‌دانند. از آنجا که عمده غزلیات حافظ محتوایی عرفانی، عاشقانه و امیدوارکننده دارد، فال‌ها معمولا روحیه بخشند.

شاهنامه خوانی در شب یلدا: جزء جدایی‌ناپذیر دیگر شب یلدا، شاهنامه‌خوانی است. این رسم از دیرباز در ایران رایج بوده. جذابیت شاهنامه‌خوانی به شیوه‌ی نقالی چند برابر می‌شود. متأسفانه این رسم نقالی در حال نابودی ست. باید خیلی خوش شانس باشید که در خانواده‌تان چنین فردی داشته باشید.

انتشار کتاب «رویدادهای بزرگ در تاریخ حیات» با ترجمه پروفسور مجید هاشمی تنگستانی



کمتر کسی از میان مردم عادی، و حتی از میان دانشمندان، اهل قلم، دانشجویان و تحصیل کردگان این سرزمین به ریشه‌های حیات بر این کره‌ی خاکی فکرَ کرده و این سوال را برای خود مطرح کرده است که به راستی ما انسان‌ها از کجا آمده‌ایم و چگونه به موجودی هوشمند تبدیل شده‌ایم؟

اما اگر این سوال را از هر کدام از آن‌ها بپرسید قطعاً کنجکاو شده و تمایل خود را برای یافتن پاسخ آن نشان خواهد داد. کتاب «رویدادهای بزرگ در تاریخ حیات» نوشته‌ی زمین‌شناس آمریکایی «جورج اچ شاو» که به تازگی توسط پروفسور مجید هاشمی تنگستانی استاد بخش زمین‌شناسی دانشگاه شیراز به فارسی برگردانده شده و انتشارات آوند اندیشه آن را به چاپ رسانده است، در واقع پاسخی است به همین سوال.

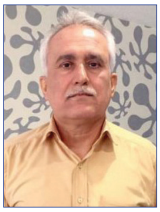
از آن‌جا که اولین نیاز رخداد حیات – نه تنها بر روی زمین بلکه در هر مکانی از کهکشان ها – دسترسی به عناصر مورد نیاز آن است، این کتاب نیز همه چیز را از بیگ بَنگ یا انفجار بزرگ آغاز کرده و در ابتدا به چگونگی تشکیل عناصر می‌پردازد و در ادامه، نحوه ی شکل گرفتن اولین تک سلولی‌ها بر روی کره‌ی زمین را توضیح می‌دهد. یافته‌های گوناگون محققین – از نتایج به دست آمده در آزمایشگاه‌های فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی گرفته تا شواهد حیات گذشته که بیشترین آن‌ها به صورت فسیل از حدود ۵۵۰ میلیون سال قبل در دل سنگ‌ها باقی مانده و هم اکنون قابل دسترس می باشند – در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته تا چگونگی تشکیل و تکامل حیات با تکیه بر این مستندات علمی برای خوانندگان شرح داده شود.

هرچند درک برخی مفاهیم کتاب به دانش اولیه‌ای از شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی (حداقل در حد کتاب‌های دبیرستان) نیاز دارد، اما تلاش شده است تا ادبیات حاکم بر متن فارسی به گونه‌ای باشد که هر خواننده‌ی کنجکاوی، تنها با جستجوی برخی مفاهیم علمی از طریق اینترنت بتواند محتوای کتاب را به روشنی درک کرده و از آن لذت ببرد.علاقمندان می توانند برای دسترسی به کتاب به لینک زیر مراجعه کنند:

https://taaghche.com/book/214737/

وفاق ملی؛ با دو انتخابات بدون نظارت استصوابی

دکتر امان الله شجاعی



روز ۱۸ آذر ۱۴۰۳ تقریبا تمامی کشور سوریه به دست مخالفان اسد افتاد و گروهی از مردم نیز، به جا و یا نا به جا به جشن و سرور پرداختند.

وقتی دولتی و یا حکومتی سقوط می کند و هلهله و شادی از طرف مردم برپا می شود، معنی آن این است که آن دولت و یا حکومت پیش از آن در ذهن و قلب مردم سقوط کرده است.

صدام، قذافی، بن علی و اکنون بشار اسد که با همراهی مردم و کمک و یا توافق خارجی سقوط کردند و بسیاری از مردم هم به همین دلیل شادی کردند. این که این شادی مربوط به اکثریت است و یا اقلیت، بستگی به علاقه مردم به حکومت را نشان می دهد. با این وجود می‌توان گفت که قدرت اصلی حکومت‌ها نه در قبضه شمشیر و لوله تفنگ، بلکه در درجه علاقه مردم به حکومت‌ها است.

اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرد بدون این که یک فشنگ ساچمه‌ای به سویش شلیک شود.

دیوار برلین ریزش کرد و مردم از شرق دیوار به غرب دیوار حرکت کردند بدون این که کسی مجبورشان بکند که باید به سوی غرب دیوار بروید و یا کسی مانع شود که دیگری برای زندگی به شرق دیوار مهاجرت نماید.

اگر روزی موانع عبور و مرور بین دو کشور کره شمالی و جنوبی و حداقل برای یک ماه برداشته شود و عبور و مرور به دو کشور برای مردم آزاد گردد، بی‌شک ورود به کره جنوبی برای ماندن در آن کشور چندین برابر خواهد بود و ممکن است ورودی‌های کره شمالی تنها برای یافتن خویشاوندان خود وارد آن کشور(کره شمالی) شوند و قبل از اتمام زمان تعیین شده نیز، به کره جنوبی برگردند.

در واقع چرا چنین است؟

آیا غیر از این است که مردم یکی از آن دو کشور آزادترند و یا احساس آرامش بیشتری دارند و در دیگری مردم احساس دلتنگی و نا امیدی دارند؟

چرا مسوولین ما که اعلام می‌نمایند با غرب دشمن و با شرق دوستند، اکثریت بچه‌های خودشان در غرب ساکنند و حاضر به تحصیل و یا زندگی در شرق نیستند؟

آیا اظهار دوستی و نیز علاقه به شرق یک دروغی بیش نیست؟ آیا بچه‌های این افراد بد تربیت شده و ناخلف بار آمده‌اند و همچون پسر نوح، با بدان بنشسته اند؟

چند نفر از ایرانیان، یا چند در صد از مسوولین گذشته و حال کشور ما در کشورهای غربی و یا در کشورهای با روال بلوک غرب، خانه خریده اند و چند در صدشان در روسیه، کره شمالی، چین و یا کشورهای به روال بلوک شرق سرمایه گذاری برای خرید ملک کرده اند؟

با بررسی دقیق این موارد و تبدیل آن به آمار، متاسفانه در عمل ثابت می شود که دروغ بزرگ در تفاوت بین سخن و عمل مسوولینی است که خود و فرزندان‌شان خلاف آن شعارهای ۴۴ ساله اقدام کرده‌اند.

این دروغ‌های نهادینه شده از طرف بسیاری از مسوولین ما، بسیاری از مردم را در بسیاری موارد باعث فاصله گرفتن مردم از مسوولین کرده است.

در حال حاضر کشور ما با گروهی از جوانان و نوجوانی مواجه است که نه آن‌ها سخن ما را می فهمند و نه ما سخن آن ها را.

متولدین دهه ۸۰ و ۹۰ که اکثریت قریب به اتفاق‌شان از این جرگه‌اند، حتا برای پدر و مادر و بزرگان خانواده خود نیز، هیچ احترامی قائل نیستند و از نظر فهم مسائل هم به جز مخالف با هر آن‌چه از جانب دولت‌ها گفته می‌شود و موافقت با هر آن‌چه علیه دولت‌ها گفته می‌شود، حرف و سخن دیگری ندارند. این گروه‌ها به گونه‌ای از لحاظ فهم و درک روابط اجتماعی از سنت‌های خوب و عرف اجتماعی



مناسب، فاصله گرفته‌اند که به نظر می‌رسد شکافی بزرگ بین ما و آن‌ها رخ داده که انگار همه آن ها در سرزمینی دیگر زندگی می کنند و ما دهه ۴۰ و ۵۰ در نقطه‌ای دیگر از جهان هستیم.

تعجب برانگیزتر این که دهه های ۶۰ و ۷۰ نیز گرایش عجیبی به رفتار و کردار دهه های ۸۰ و ۹۰ دارند و در حال فاصله گرفتن سریع از گروه‌های قبل از خود هستند.

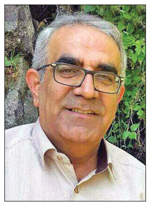
نگارنده معتقد است که به دلیل عدم مطالعه عمیق دهه‌های ۸۰ و ۹۰ که حتا بسیاری از آن‌ها از نوشتن یک تقاضای معمولی و مکتوب هم برای اداره جات عاجزند، آینده ایران از این لحاظ گوناگون و از جمله عدم درک موقعیت جهانی و عدم فهم روابط بین‌الملل در این تحولات سریع، با خطر جدی و اساسی مواجه است.

حال، با توجه به این که وقت بسیار تنگ است و گردبادهای حوادث در راه، لازم است که تا قبل از وقوع آن گردبادهای سهمگین و توفان های سیل‌آسا و ویرانگر، با «هدف منافع ملی» گردهم آییم و در جهت رسیدن به یک «فهم مشترک» برای همدلی مردم ایران، اقدامی اساسی انجام دهیم.

لازمه این کار، دیدن همه ایرانیان در قالب ملت ایران و اصلاح قانون اساسی، و یا حداقل دو انتخابات (مجلس و ریاست جمهوری) بدون نظارت استصوابی است.

یلدا و مهربانی در عصر تلخ‌کامی

دکتر سعید معدنی



از دیرباز شعر و شادی و موسیقی و ترانه و... در بین مردمان عادی، مفری و پناهی برای یافتن دمی آسایش و کمی آرامش بوده است. گاهی روزگار به ما سخت می گیرد و ما عشق، عشق ورزیدن و دوست داشتن را فراموش می کنیم به تعبیر سعدی:

چنان قحط سالی شد اندر دمشق
که یاران فراموش کردند عشق

گاهی اعیاد و جشن‌ها و از جمله یلدا (شب چله) به ما می گوید عشق، دوستی، دور هم نشستن و صله رحم -که سنتی دیرین در فرهنگ ماست- را فراموش نکنیم.
یلدا در این سرزمین به طور سمبلیک نوید کوتاه شدن سیاهی و شب و بشارت ظهور روزهای بلند و روشن است. اما باید صبور بود تا زمستان نیز به سرآید و نوروز و عید برسد تا عاشقی‌ها و زیبایی‌ها تکمیل شود.
ما ایرانیان مجبور بوده و هستیم تا اعیاد هزاران ساله ملی را برای آرامشی در میان این همه تلخی‌های روزگار، احیا و حفظ کنیم و آن‌ها را به نسل‌های بعدی بسپاریم تا زیستن آسان‌تر شود و دوست داشتن دیگری را فراموش نکنند.
با مرور در تاریخ می‌دانیم که اجداد ایرانیان و سایر کشورهای هم فرهنگ و همجوار ما، شب یلدا را با شعرخوانی می‌گذراندند. از دیرباز متن شیرین و حماسی شاهنامه یک اثر مهم و جذاب برای خواندن در این شب طولانی بوده است. شاهنامه هم جشن دارد و هم غم، هم عشق دارد هم تنفر، هم پیوند و ازدواج را حکایت می‌کند و هم جدایی و هجران را. شاهنامه حاوی بسیاری از گونه‌های ادبیات داستانی از تراژدی تلخ گرفته تا شادی و شادکامی و ظفر است. اجداد خوش ذوق ما در شب یلدا به خواندن این همه زیبایی که حکیم طوس به آن‌ها ارزانی داشته بود مشغول می‌شدند. برای نمونه آن‌جا که می‌سراید:

چنین بود تا بود گردان سپهر
گهی پر ز درد و گهی پر ز مهر
تو گر باهشی مشمر او را به دوست
کجا دست یابد بدردت پوست!
شب اورمزد آمد از ماه دی
ز گفتن بیاسای و بردار می

حافظ‌خوانی نیز از سنت‌های مهم و رایج شب یلدا است. اگر شاهنامه حماسه است، حافظ برای مردمان تفأل است و حال و روزشان را بیان می کند. وقتی جمعی دور هم می‌نشستند هرکس آرزویی و نیّتی می‌کرد، سپس کتاب حافظ را می‌گشودند و حافظ با ایشان سخن می‌گفت. به باور ادیبان ما اشعار حافظ آن‌قدر گستره عاطفی دارد که برای پاسخ به هر آرزو و گره‌ای در زندگی هرکس برایش حرف و سخن دارد.
برای نمونه :

بر سر آنم که گر زدست برآید
دست به کاری زنم که غصه سرآید
خلوت دل نیست جای صحبت اضداد
دیو چو بیرون رود فرشته درآید
صحبت حکام، ظلمت شب یلدا ست
نور زخورشید جوی بو که برآید

امیداواریم روزی برای همه جهانیان، این همه جنگ و خونریزی و ظلم کاهش یابد و مردمان جهان دور هم جمع شوند و دیگری را به شعر و موسیقی و شادی میهمان کنند و دوست داشتن بیش از پیش رواج یابد.



ما آدم‌های مدرنی هستیم

مژده مواجی - آلمان



زن و مرد با لب‌های آویزان در آشپزخانه کنار میز نشسته بودند، چای می‌نوشیدند و به نامهٔ پلیس آلمان که روی میز بود نگاه می‌کردند. سگ سفید کوچکشان، پشمک، در خانه این‌وَروآن‌وَر می‌رفت. مرد در حالی‌که دست‌هایش را به سینه زده بود، رو به زن کرد: «دو هفتهٔ دیگر باید به ادارهٔ پلیس برویم و از خودمان دفاع کنیم. امیدوارم وکیل هم خوب از ما دفاع کند، وگرنه باید هفتصد یورو جریمه بدهیم. نمی‌دانم وکیل درستی انتخاب کرده باشیم؛ خیلی سر حوصله و در واقع کند کار می‌کند. روی اعصابم می‌رود.»
زن برافروخته شد: «هنوز نمی‌توانم درک کنم چرا از ما شکایت شده. ما مدت کوتاهی پشمک را در ماشین تنها گذاشتیم و به دکتر رفتیم. در این نامه نوشته؛ چند ساعت سگ توی ماشین تنها بوده. باورکردنی نیست.»
-شیشهٔ پنجرهٔ ماشین را کمی پایین گذاشتیم که پشمک گرمش نشود. غافل از این‌که آدم‌های فضول دستشان را توی ماشین می‌کنند، در را باز می‌کنند، پشمک را درمی‌آورند و به پلیس زنگ می‌زنند. آخر به شما چه که من با سگم چطور رفتار می‌کنم. به همه‌جای آدم کار دارند.
- توی نامه نوشته؛ چند ساعت پشمک تنها بوده. دروغگوها!
-بدتر این‌که شاکی گفته؛ پشمک گرمازده شده بوده و بی‌قراری می‌کرده.
- مرتب دم از حمایت از حقوق حیوانات می‌زنند. این‌همه ما به خوردوخوراک پشمک می‌رسیم. ما که کاری نکرده‌ایم. تازه ما به‌عنوان مهاجر این‌قدر جذب جامعهٔ این‌جا شده‌ایم که مثل خیلی از آلمانی‌ها سگ داریم، غذاهای خودشان را می‌خوریم، مثل خودشان لباس می‌پوشیم، به کلیسا می‌رویم و آن‌جا فعالیت می‌کنیم. یادت باشد در ادارهٔ پلیس از فعالیت‌های‌مان در کلیسا صحبت کنیم.
- چه فایده. همین حرف‌ها را به وکیل هم زدیم. مگر نشنیدی چه گفت؟ گفت؛ این حرف‌ها اصلاً ربطی به قضیه ندارد.
زن از روی صندلی بلند شد. غذای سگ را توی ظرفش ریخت و دوباره به جایش برگشت. جرعه‌ای از چایش را نوشید و آهی کشید: «باید در ادارهٔ پلیس طوری برخورد کنیم که بدانند ما آدم‌های مدرنی هستیم. هرچند چشمم آب نمی‌خورد که به‌راحتی دست از سر ما بردارند. هفتصد یورو را باید بدهیم.»
روی پیشانی مرد چین‌وچروک اخم نقش بست و گفت: «بهتر است تا دفعات دیگر یقه‌مان را نگرفته‌اند، کلاً پشمک را به کسی ببخشیم. حوصلهٔ دردسرهای بعدی را ندارم.»
زن سرش را به‌علامت تأیید تکان داد، بلند شد و سوسیس‌ها را از یخچال بیرون آورد، با احتیاط در ظرفی پلاستیکی گذاشت و سرش را بست. رو به همسرش کرد و گفت: «حالا باید به کلیسا برویم. جشن کم کم شروع می‌شود.»

نایب قهرمانی جوان بوشهری در مسابقات کاراته خاورمیانه



اسماعیل موسوی، کاراته کار آزاد استان بوشهر موفق به کسب عنوان نایب قهرمانی مسابقات خاورمیانه به میزبانی عمان شد.

به گزارش ایرنا، موسوی نماینده کیو کوشین استان بوشهر و ساکن شهر وحدتیه در وزن آزاد در مسابقات فول کنتاکت کاراته خاورمیانه با غلبه بر حریفان خود به دیدار فینال این وزن راه یافت.

این ورزشکار در بازی پایانی برابر حریف کویتی خود تن به شکست داد و با قرار گرفتن در جایگاه دوم به مدال نقره بسنده کرد.

پاشازاده: روند نتیجه‌گیری شاهین عامری متحول شد

سرمربی تیم فوتبال شاهین بندر عامری گفت: در بخش‌های مختلف از جمله شخصیت تیمی، روحیه بردن و آمادگی بدنی تغییرات زیادی ایجاد کردیم که این رویکرد در روند نتیجه‌گیری خود را نشان داده است.

مهدی پاشازاده در گفت‌وگو با ایرنا افزود: بازیکنان ما نشان دادند که می‌توانند فشارهای سنگین را تحمل کنند و این نشان‌دهنده تعهد و انگیزه بالای آن‌هاست.

وی با قدردانی از تلاش بازیکنان و حمایت ارکان باشگاه یادآورشد: ایجاد تغییرات حین فصل سخت‌تر است، اما بچه‌ها با تحمل فشار و تلاش بی‌وقفه توانستند شرایط را بهبود بخشند.

پاشازاده ادامه داد: همچنین از کادر فنی تشکر می‌کنم که در فضایی یک‌دل و بدون دغدغه کار می‌کنند و منجر به تغییرات اساسی در تیم شدند.

سرمربی شاهین بندر عامری از هواداران خواست بار دیگر به ورزشگاه بیایند و افزود: همه چیز برای هواداران است و امیدوارم مانند سال ۹۶ شاهد استادیومی پر از شور و هیجان باشیم.

پاشازاده اظهار کرد: با حمایت آن‌ها می‌توانیم به پیروزی‌های بیشتری دست یابیم و دل‌شان را شاد کنیم.

یکی دیگر از اعضای تیم شاهین بندر عامری نیز گفت: هدف اصلی تیم صعود به لیگ دسته یک فوتبال کشور است و این هدف از روز نخست آغاز تمرین‌ها دنبال شده است.

محمد نبی دراهکی افزود: برای تحقق این هدف به حمایت پرشور هواداران نیاز داریم و از همه شاهینی‌ها می‌خواهم تیم خود را تنها نگذارند.

شاهین بندر عامری در رده چهارم جدول گروه خود در لیگ دسته دوم قرار دارد.

حسن صفری کاپیتان بوشهری تیم ملی فوتبال هفت نفره ایران در مصاحبه با نسیم جنوب:

خوشحالم که بالا بردن کاپ قهرمانی جهان و بالا رفتن پرچم زیبای ایران، نصیب من شد

مصاحبه از مهدی صالحی‌زاده



– سطح مسابقات جام جهانی که در اسپانیا انجام شد چگونه بود؟

– خدا را شکر سطح مسابقات خیلی خوب بود و تیم‌ها از لحاظ امکانات خیلی بالاتر از ما بودند ولی همت و اراده بچه‌ها و درایت کادر فنی منجر شد به این‌که قهرمان شویم.

– شما و دیگر ایرانی ها در خط دفاع عملکرد خوبی داشتید.

– بله خدا را شاکرم که به عنوان دفاع آخر تیم ملی عملکرد خوبی داشتیم و البته که گل نخوردن ما ثمره یک کار تیمی است و آن‌چه که در تمرینات انجام می‌شد رو به بهترین نحو ممکن توانستیم در زمین پیاده کنیم و گل نخوریم.

– به نظر شما به عنوان کاپیتان تیم ملی ایران، چه شد که گلی در این سری از جام جهانی دریافت نکردید، خط دفاع ایران خوب بود یا این‌که دفاع تیمی این مهم را خلق کرد؟

– قطعا دفاع تیمی بود و از خط حمله تا گلر در بدست آوردن این عنوان و این عملکرد خوب دفاعی سهیم هستند.

–به جز شما دیگر بوشهری تیم ملی ایران یعنی حسین تیزبر، به عنوان بهترین بازیکن جام جهانی برگزیده گردید، نظر شما چیست؟

– حسین تیزبر از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال هفت نفره هست و هم از لحاظ فنی و هم اخلاقی بمب انرژی تیمه و خوشحالم که حسین را در بهترین ورژن خودش در این مسابقات دیدم.

–با توجه به این‌که رسالت رسانه ای ملی این است که تمام بازی های شما به طور مستقیم پخش کند، چرا صدا و سیما این مهم را انجام نداد؟

– از زمان تغییر مدیریت انجمن فوتبال هفت نفره و ورود یک فرد رسانه ای به بدنه تیم، انصافا بعد رسانه‌ای فوتبال ما خیلی بهتر شده و رو به بهبود هست، گرچه انتظار بیشتری هست اما در کل در حوزه رسانه بهتر از قبل شده ایم و همان‌طور که دیدید بازی فینال ما به صورت مستقیم از شبکه ورزش پخش شد و قطعا در آینده هم پخش خواهد شد.

– علیشاه طارمی یکی از مربیان تیم ملی هفت نفره بود، ایشان را چگونه ارزیابی می کنید؟

– آقای طارمی از بی‌نظیرترین مربیانی است که تاکنون دیده‌ایم و حضور ایشان بسیار آرامش را به تیم تزریق کرده و اعتماد به نفس بازیکنان با وجود ایشان بسیار بالا رفته و آن‌چه که ثمره ۲۰ سال حضور در عرصه ورزش هست را خالصانه در اختیار ما گذاشته اند و خدا را شکر قهرمانی هم از برکات وجود ایشان هست.

–بی تعارف از عملکرد خودت رضایت داشتی؟

– بله خدا را شکر و آمار هم همین رو تایید می کند. هر آن‌چه در این سال‌ها از تجربه اندوخته بودم در دفاع بکار بردیم و با یک عملکرد عالی توانستیم نه تنها گل نخوریم بلکه کمترین موقعیت را به حریفان بدهیم.

– قهرمانی شما در جهان باعث خوشحالی همه ایرانی ها شد. آیا مسؤلین به استقبال شما به فرودگاه بوشهر آمده بودند، دیگر این که قول پاداشی هم برای شما داده شد؟

– واقعیت استقبال درخور یک تیم قهرمان جهان نبود، تیمی که برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور قهرمان جهان شده است در رشته فوتبال، در بقیه استان‌ها استاندار، نمایندگان مجلس، فرماندار، بخشدار، شهردار و ... به استقبال دوستانم آمده بودند اما در استان ما، خیر شاید گرفتار بودند.

–زمانی که کاپ قهرمانی جام جهانی را بالای سر بردید چه احساسی داشتی و دوست داشتی این قهرمانی را به چه کسی هدیه بدهید؟

– بالا بردن کاپ قهرمانی جهان و بالا رفتن پرچم زیبای ایران آرزوی هر انسان وطن‌دوستی هست و خدا را شاکرم که به عنوان کوچک همه بچه های تیم و خادم آن‌ها، این موهبت نصیب من شد، قطعاً آن لحظه خانواده به واسطه تحمل سختی ها و دوری ها و مادرم به واسطه دعاهای خیرش از جلوی چشمایم رد می‌شدند.

–گپ پایانی شما؟

– تشکر می کنم از خانواده عزیزم بابت تحمل سختی‌ها و دوری‌ها و از صبر و حوصله آن‌ها، تشکر می‌کنم. از مادرم که همیشه دعایم می‌کند، تشکر می‌کنم از مجموعه وزین و باارزش آموزش و پرورش استان و شهرستان بوشهر که نهایت همکاری را با بنده داشتند و علی‌الخصوص مدیریت و دانش‌آموزان عزیزم در مدرسه شهید سلخی و شهید جلالی، تشکر می‌کنم. از تمام رسانه‌های دیداری و نوشتاری استان که همواره حامی ورزشکاران و قهرمانان استان هستند و به خصوص پیج ورزشی فوتبال بوشهر که ما را خالصانه دنبال می‌کرد و اطلاع رسانی انجام می‌داد، تشکر نهایی من از مردم شریف و بزرگوار دیارم بندرعامری که قوت قلب من هستند و هرچه دارم از وجود این مردم و دیارم هست. سپاس از شما که وقت گذاشتید.

دلتنگتم بوشهر

امیرحسین طالبی



هفتاد و اندی از سنم می‌گذرد، جنوبی هستم ولی نه جنوبی واقعی، به لحاظ موقعیت نقشه جغرافیا، بلکه زاده جنوب تهران با همان خصوصیات و خلقیاتی که بعضاً شنیده‌اید. (به سبک چندین دهه قبل ...)...بیش از یک چهارم از سنم را در هوای گرم ولی بدور از هیاهوی اغلب شهرها و مراکز استان‌ها در سمت سرپرست اداره حقوقی بانک صادرات و سردفتری اسناد رسمی شمار یک در بوشهر (و در آرامشی که علیرغم غربت جغرافیائی، در هیچ نقطه – از مراکز خدمتی‌ام در شهرهای دیگر – برایم محسوس نبوده) گذرانده‌ام.

در بدو ورودم (اواسط دهه ۶۰ خورشیدی)، در اداره حقوقی بانک صادرات، بکار گماشته (گمارده) شدم و این به دنبال اشتغال در شهرهائی مثل تهران، همدان و شیراز بود که تا آن تاریخ، هیچ‌کدام نتوانسته بودند حوایج روحی‌ام را سامان بخشی کنند و...

پر واضح بود که عبور از همه شهرهایی که ذکر شد و ایضاً چندین دیگر، تجربیاتی گران قدر در سنین در حال گذران از جوانی، برایم به وجود آورده بود.

ورود به بوشهر که سابقه کمرنگی هم که در چند سفر کوتاه سالیان قبل به آن داشتم، بارقه‌هایی از آرامش و امیدواری به زندگانی متحول شده‌ای را برایم به همراه داشت: برخورد بسیار ساده و بی‌تکلف مردمانش که تشریفات خشک و تصنعی را دور زده و مواجهه‌ای خودمانی داشتند، اولین جاذبه برای یک فرد بزرگ شده در محله‌های سنتی جنوب تهران بود و این موجبی بود که خود نیز همان روش را در محیط کار با مدیران دیگر و سایر کارکنان پیاده نمایم.

جاذبه محیط و مردمان خونگرم که یقیناً بخشی از از گرمای شهر بوشهر به همان دلیل و نه صرفا موقعیت جغرافیایی است، تشویقم کرد، با توجه به گذران عمر و سرسختی در انتخاب همسر، دل به دریا همان دریای آرام و نجیب بوشهر زده و با جسارت، خواسته‌ام را با خانم محترمی از همکاران و با اصالت بوشهری مطرح کنم و هنگامی که بالاخره موافقت ایشان که از خانواده سرشناس و وزین – از جهت علمی – بودند را به دست آوردم و با یاری خدا در چند ماه بعدی، با حضور خانواده‌های دو طرف و بستگان ، «سعادت» کوبه خانه‌ام را کوبید و این‌جا بود که شانسم در اقامت این شهر غریب و در عین حال غریب‌نواز، به تکامل رسید و سرنوشتی شیرین، اوج آرزوهایم را رقم زد.

هفده سال تمام مقیم بوشهر بودم، فرزندانم یک دختر و یک پسر با افتخار زادگاهشان بوشهر است و خود را «بوشهری » معرفی می‌کنند.

هر آن‌چه محبت و صفا که در تصور بگنجد، از اقوام همسر و مردمان شریف و بدون خلاف این شهر، نصیبم شد.

در شغل سردفتری اسناد رسمی شماره یک بوشهر، حشر و نشر زیادی با همگان داشتم و به جرأت اعلام می‌کنم به جز چند صحنه کمرنگ از خلاف، آن‌هم بدون عمد، چیزی ندیدم.

در اواخر خدمت به تهران برگشتم و اینبار، چهار نفر بودیم.

تهران، آن تهران گذشته نبود و الان هم نیست. شلوغی، هیاهو، تغییر منش و مرام مردمان که من سابقه‌اش را داشتم و شخصاً دوره تکامل را در بوشهر تجربه کرده بودم، امروزه از میان رفته است. از همان روزهای ابتدای ورود و گشایش دفترخانه برای سنوات پایانی خدمت، بارها مواردی مهم از پیشنهادات خلاف و تصور دفترخانه تازه تاسیس و کم‌تجربه را دریافت کردم که خوشبختانه با اراده‌ای قوی همگی را به شیوه خودشان پاسخ دادم.

امروز که حدود ده سال از بازنشستگی‌ام می‌گذرد، با افتخار به پرونده‌ها و اسناد تنظیمی خالی از شائبه فکر می‌کنم که همنشینی با شهروندان بوشهری در آن بی‌تاثیر نبوده و نیست.

در سال‌های اخیر، چندین نوبت به دلایل مختلف دیدار اقوام همسرم و پرونده‌هایی در ارتباط با شغل ایشان – که از وکلای میرز و خوشنام هستند – به بوشهر سفر کرده ام ولی گویا باز آن خاک پاک، دامنه جاذبه‌اش را گسترش داده و اگر فاصله ای در این سفرها پیش آید دلتنگش می‌شوم.

جاویدان باشی بوشهر – سرزمین اخلاق .

شب یلدای اوسالی در بوشهر

حسین شادکامی



شب یلدا یکی از شب‌هایی که پایان پاییز و شروع زمستانی دیگر، مردم خودشون را آماده می‌کنند که به پاس سنت ها و رسم و رسومات اجدادیان، شب یلدا را زنده نگه دارند. شب یلدا درست است که با شب‌های دیگر فرقی نداره ولی پنداری دارازی شب نسبت به سایر شب‌ها که اختلاف یک دقیقه‌ای است چقدر در زندگی انسان‌ها ارزشمند است و یک حس و حالی دیگر به مردمان این دیار کهن می‌دهد و به این بهانه شکوه و آمدن زمستانی دیگری در تقویم جشن‌ها رقم می‌خورد. شب یلدا در رسم و رسوم ما را شب چله می‌خواندند که می‌توان جشن خانوادگی در محیط بسته خانه و خانواده انجام داد.

شب یلدای اوسالی که حسابی آخر پاییز هوا سرد و با باران‌های پیاپی باریده بود. مردم برای یک شب‌نشینی خود را آماده می‌کردند. دیم (مادر)، صبح آن روز نون شیرین (قندی) و تخمک‌های هندونه و کدو که در تابستان خشک کرده بودیم برای بو دادن، آماده کرده بود. پسین هم رو مغربی منقل بزرگی که تازه بوام (پدر)، گچش کرده بود آورد و چند کولوم هیزم و مقداری خاک زغال که کف منقل ریخته بود آتیش زد و بعد از فروکش کردن شعله آتیش، مقداری زغال هم روی آن ریخت و چراغ های چیمنی یا همون پمپی را پاک کرد و آماده برای شونشینی کرد. حس خشی تو محله بید و همه در تکاپو بودند که تا چند خونه می‌تونند دورهمی داشته باشند.

بساط سفره این شب مثل عید نوروز بید اما حیف که فقط یک شب بود. سفره‌ای از انواع تنقلات شامل تخمک بوداده، نخود و کشمش، انجیر، انار، هندوانه، شلغم و لبو و پشمک و زولبیا بامیه و حلوای مسقطی که تازه به حلویات سفره اضافه شده بید، چنان شور و شوق زندگی به ما می‌داد که در جمع خودی کمتر احساس سوز سرما می‌کردیم. قبل از غروب بچه ها بازی‌های پسینگاهی را زودتر تمام کردند که به استقبال این شب بروند. اول مغرب تموم کیچه‌ها یهویی خلوت شد. بعد از شام دید و بازدیدها از همسایه‌ها شروع شد، گاهی همسایه ها در کیچه ها با هم احوالپرسی می‌کردند که شلوغی خاصی به کیچه ها داده بید. هر کسی که می‌دیدیم فانوس بدست به دید و بازدید هم دیگه می‌رفتند و تا پاسی از شب به گشت گذار بودند.

ما بچه‌ها دل خوش بیدیم که در این شب لاعقل پنج تا شش خونه دید و بازدید کنیم و کومی از عزا دربیاریم. در شونشینی‌ها، بزرگترها همه‌اش از سرما و باد بارون و سرمای زمستون گپ و گفت می کردند و ما بچه‌ها نیز از دست ننه سرما در اطاق سرگرم بازی‌های کوم پر کوم خالی (گل بازی) و قوتُل بازی و گاهی هم اتل متل تتوله بودیم.

بزرگترها فال حافظ می‌گرفتند و به فال خود خوشبین بودند. انگار این شب قشنگ خدای مهر دوستی برای ما هدیه داده بود تا با مهربانی در جوار هم بگذرانیم. یلداتون مبارک.




فلرهای عسلویه و ابر آلودگی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

چرا بوشهری‌ها از هنرنمایی گروه موسیقی «محسن شریفیان» محرومند؟!

رضا سیاهوشی



بوشهر؛ شهر گرما و شرجی، سبخ و دریا، ماهی و میگو، رطب و خرما، صفا و صمیمت، مهر و وفا، شور و نشاط، هنر و ادب، فوتبال و فوتبالی‌ها، آهنگ و موسیقی و شهر نی و انبان!

بله ؛ پرچم بوشهر در همه زمینه‌ها بالا بوده و می‌تواند هنوز با باد بر رو و جنوب و شمال یا گرم و سرد آن به زیبایی به اهتزاز درآید و بدرخشد.

اما جای بسی تاسف دارد که هرگز قدر داشته‌ها و پتانسیل‌های قوی فرهنگی و هنری این استان را ندانستیم !

داشته‌های این شبه جزیره با قدمت و تاریخی که روزگاری کشتی پرسپولیس در آن پهلو گرفت، مرکز تجارت ایران بود و ادعا داریم که اولین بار توپ فوتبال در آن به زمین خورده و در بسیاری زمینه‌ها حرف‌ها برای گفتن دارد را قدر بدانید.

نام بوشهر در کتاب‌ها و اسناد تاریخی، تحت نام‌های مختلفی نظیر «رام اردشیر»، «ابوشهر»، «بُخت اردشیر»، «لیان»، و «ریشهر» به ثبت رسیده است.



که همه نام‌های زیبای این شهر و بندر ریشه‌دار بوده و هرکدام معنی خاص خود دارد ولی افسوس، بندری که می‌توانست گل سرسبد بنادر ایران باشد به آن‌چه شایسته و بایسته این قطعه از سرزمین « ایران » بود هرگز نرسید و یا نگذاشتند برسد و تلاش آن‌چنانی برای رشد، توسعه و نشان دادن زیبایی‌های هنر، فرهنگ، فوتبال، موسیقی و بسیاری از توانایی و توانمندی آن انجام نگرفت!

در بحث موسیقی نیز متاسفانه چندین سال هست که مجوزی برای «محسن شریفیان» داده نمی‌شود تا بتواند هم هنرنمایی خود را نمایش دهد و هم موسیقی استان را تقویت نماید.

چرا و چرایش را بسیاری ندانسته اما تا چه زمانی بوشهر، مردم، موسیقی و شریفیان باید از این تک موقعیت‌های خاص به دور و محروم باشد؟!

«شریفیان» ایرانی و برای تمام ایران است نه فقط «خاص» تالارهای بزرگ پایتخت !

هرچند اجرا و نمایش این هنرمند بوشهری «تبلیغ و نمایش» فرهنگ موسیقی «بوشهر» می‌باشد که با نوازندگی و خوانندگی به تاریخ و ریشه این بندر و شناسایی آن در این قالب می‌پردازد اما این «ناحقی» به مردم بوشهر و زادگاه او و خود «شریفیان» باید روزی پایان یابد.

پیشنهاد انتصاب یک پزشک با تجربه، شایسته و متخصّص برای ریاست دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

محمد صادق حاجیانی - دبیر و رییس ستاد حزب اعتدال و توسعه

جناب آقای ارسلان زارع، استاندار محترم بوشهر

پیرو نشست هم اندیشی هفته جاری و حسب طرح موضوع اینجانب کمک به سیاست‌های دولت و



همچنین به جنابعالی در راستای معرفی افراد توانمند و همچنین در راستای شعار رئیس محترم جمهور در برقراری عدالت و ایجاد تعادل در انتصابات و در راستای مسولیت‌های اجتماعی و سیاسی بدون ذره‌ای چشم داشت (نه بهداشت درمانی هستم نه سرمایه‌گذار نه فروشنده ادوات و تجهیزات پزشکی شاید در طول مدت خدمت کاری‌ام یک‌بار دکتر شفیعی را دیده باشم) ولی لازم می‌داند در پیشنهاد بکارگیری جناب آقای دکتر ابراهیم شفیعی فوق تخصص جراح قلب که فردی با تجربه، شایسته و متخصص در این حوزه می‌باشند و سال‌ها در این حوزه اثرگذار بوده‌اند، برای مسئولیت دانشگاه مذکور با تأمل و تمأنیه پیگیری فرمایید.

جناب آقای زارع به خاطر استان و به تبع آن جنابعالی پیشنهاد می‌نمایید وگرنه من قربانی دولت سیزدهم می‌باشم و اساساً برایم هیچ اهمیتی نباید داشته باشد کجا به چه کسی سپرده می‌شود. توفیقات‌تان روزافزون.

مدارس کانکسی در استان بوشهر برچیده شد

مدیرکل نوسازی و توسعه مدارس استان بوشهر گفت: با افتتاح مدرسه روستای «حسن آباد »در شهرستان دشتستان، استفاده از مدرسه کانکسی مستقل در این استان برچیده شد. ابراهیم احمدی افزود: تعداد هشت مدرسه کانکسی مستقل در شهرستان‌های دشتستان، دشتی و تنگستان باقی مانده بود که با ساخت مدرسه با مصالح مناسب و ایمن استفاده از فضای کانکس برای امور دفتری و کلاسی با عنوان مدرسه کانکسی مستقل در استان بوشهر پایان یافت.

درخواست از وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی

به وضعیت درمان و بهداشت استان بوشهر توجه کنید

هلنا سعادتمند - فعال درمانی و اجتماعی



وزیر محترم بهداشت درمان و آموزش پزشکی، جناب آقای دکتر ظفرقندی

درود، همان‌طور که آگاهید از فعالیت دولت چهاردهم بیش از سه ماه می‌گذرد و مردم استان بوشهر هم‌چنان چشم انتظار معرفی رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می‌باشند.

نیک می‌دانید مسئله بهداشت و درمان بسیار قابل اهمیت و بهتر بگویم استراتژیک می‌باشد.

جناب دکتر ظفرقندی

ما هواداران دکتر پزشکیان برای آمدن او خون دل‌ها خورده و تلاش‌ها کرده و برای رای اعتماد خود شما استرس‌ها گرفتیم تا بیایی و می‌دانستیم آمدنت حوّل حالنا خواهد شد، همان‌طور که مبرهن است استان بوشهر علیرغم این‌که نام پایتخت انرژی ایران را یدک می‌کشد اما از نظر دارو و درمان بسیار ضعیف می‌باشد. استان بوشهر از کمبود دارو و امکانات درمانی رنج می‌برد.

با وعده‌هایی که در زمان انتخابات داده شد مردم امیدوارانه در انتظار بهبود شرایط هستند ولی تاکنون هیچ‌گونه تغییری حاصل نشده و کماکان دَر بر همان پاشنه و لولا می‌چرخد.

لذا از آن مقام محترم می‌خواهیم شرایط استان بوشهر را مَـــد نظر قرار داده و با انتخاب مدیری لایق و مردم محور و ساعی، گره ای از مشکلات درمانی استان بوشهر بگشاید.